

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

سی گفتار

پیرامون امام خمینی (رحمۃ اللہ علیہ)، انقلاب و جمهوری اسلامی

دکتر غلامرضا خواجه سروی

فهرست مطالب

سخن ناشر.....	۱۵
مقدمه.....	۱۷
گفتار اول:	
خاستگاه زمانی طرح نظریه حکومت اسلامی در عصر غیبت.....	۲۱
پیش درآمد.....	۲۱
۱. عدالت خواهی به مثابه خواسته‌ی اصلی مردم ایران.....	۲۲
۲. احیاءگری امام خمینی (ره).....	۲۴
۲-۱. پی ریزی نهضت اسلامی.....	۲۵
۲-۲. طرح بُعد سلبی نهضت اسلامی ایران.....	۲۷
۲-۳. طرح بُعد ایجابی نهضت اسلامی ایران.....	۳۰
جمع بندی.....	۳۲
گفتار دوم:	
بومی‌گری مکانی.....	۳۵
پیش درآمد.....	۳۵
۱. نظریه‌ی پادشاهی.....	۳۷
۲. نظریه‌ی لیبرال دموکراسی.....	۴۰
۲-۱. لیبرالیسم و دموکراسی.....	۴۴
۲-۲. تفاوت نظام اسلامی با لیبرال دموکراسی.....	۴۷
۳. نظریه‌ی سوسیال دموکراسی.....	۴۹

۶ □ سی گفتار پیرامون امام خمینی (ره)، انقلاب و جمهوری اسلامی

۴. نظریه‌ی التقاطی حکومت ۵۶

جمع بندی ۵۹

گفتار سوم

جوهره‌ی نظری حکومت ۶۱

پیش درآمد ۶۱

۱. آغاز تاریخ اسلام ۶۳

۲. حکومت در عصر غیبت ۶۸

جمع بندی ۶۹

گفتار چهارم:

کارکرد جهانگیرانه‌ی مبارزاتی ۷۳

پیش درآمد ۷۳

۱. جهانگیری ۷۴

۲. نقاط اتکای شاه ۷۵

۳. کارکرد جهانگیرانه‌ی نظریه‌ی ولایت فقیه ۷۹

جمع بندی ۸۱

گفتار پنجم:

یک قرن مبارزه ۸۳

پیش درآمد ۸۳

۱. نقاط عطف تاریخ سیاسی - اجتماعی معاصر ایران ۸۴

۲. جنبش عدالتخواهانه مشروطه (مشروعیه) ۸۵

۳. جنبش ملی کردن صنعت نفت ایران ۸۸

جمع بندی ۹۲

گفتار ششم:

حکومت اسلامی ۹۵

پیش درآمد ۹۵

۱. ایمان به خدا و ساختار اجتماعی نظام اسلامی ۹۶

۲. مفهوم حکومت اسلامی ۹۶

۳. لزوم تشکیل حکومت ۹۷

فهرست مطالب □ ۷

۹۸.....	۴. دیدگاه امام خمینی (رحمه الله) در منشأ مشروعیت نظام اسلامی
۱۰۳.....	جمع بندی
	گفتار هفتم:
۱۰۵.....	التزام به منویات ملت
۱۰۵.....	پیش درآمد
۱۰۶.....	۱. تعیین نوع نظام
۱۰۸.....	۲. تلاش در جهت انحراف نهضت
۱۱۰.....	۳. مدیریت سیاسی امام (ره) در تعیین نوع نظام
۱۱۳.....	جمع بندی
	گفتار هشتم:
۱۱۵.....	قانون اساسی منتظم؛ متنی بدون تضاد درونی
۱۱۵.....	پیش درآمد
۱۱۶.....	۱. قانون اساسی مشروطه
۱۱۸.....	۲. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
۱۲۴.....	جمع بندی
	گفتار نهم:
۱۲۵.....	دولتی با ماهیتی تازه؛ از دولت رانتیر تا دولت مردمی
۱۲۵.....	پیش درآمد
۱۲۶.....	۱. دولت رانتیر پهلوی دوم
۱۲۸.....	۲. دولت مردمی
۱۳۳.....	۳. وظایف کلی دولت جمهوری اسلامی ایران در قبال مردم
۱۳۴.....	جمع بندی
	گفتار دهم:
۱۳۵.....	آغازی بر محو شکاف بین ملت و دولت
۱۳۵.....	پیش درآمد
۱۳۶.....	۱. استبداد داخلی
۱۳۸.....	۲. پیروزی انقلاب اسلامی و محو شکاف بین ملت و دولت
۱۳۹.....	اول. انتخاب نوع حکومت

- دوم. تصویب قانونی اساسی ۱۴۰
- سوم. انتخاب رهبری ۱۴۱
- چهارم. انتخاب رئیس جمهور ۱۴۲
- پنجم. انتخاب نمایندگان مجلس شورای اسلامی ۱۴۲
- جمع بندی ۱۴۳
- گفتار یازدهم:**
- تحویلی در فرهنگ و آگاهی عمومی ۱۴۵
- پیش درآمد ۱۴۵
۱. زوال فرهنگ در دوران پهلوی ۱۴۶
۲. تجدید حیات فرهنگی ایران ۱۵۰
- جمع بندی ۱۵۴
- گفتار دوازدهم:**
- امام خمینی (ره) و احیا و بازسازی هویت ایرانی - اسلامی ۱۵۵
- پیش درآمد ۱۵۵
۱. پهلوی‌ها و تخریب هویت ملی ایران ۱۵۶
۲. نگاه متعادل و متوازن امام خمینی (ره) به هویت ملی ۱۶۰
- جمع بندی ۱۶۴
- گفتار سیزدهم:**
- رقابت‌مداری سیاسی؛ پایه‌ریزی یک سنت سیاسی بی‌سابقه در ایران ۱۶۵
- پیش درآمد ۱۶۵
۱. مفهوم رقابت سیاسی ۱۶۵
۲. رقابت سیاسی قبل از پیروزی انقلاب اسلامی ۱۶۶
۲. رقابت سیاسی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ۱۷۰
۳. دستاوردهای رقابت سیاسی بعد از انقلاب اسلامی ۱۷۳
- جمع بندی ۱۷۴
- گفتار چهاردهم:**
- از مجلس ضعیف تا مجلس مقتدر (نمادی از حاکمیت خرد جمعی) ۱۷۷
- پیش درآمد ۱۷۷

فهرست مطالب □ ۹

۱۷۸	۱. مجلس فرمایشی در زمان پهلوی
۱۸۳	۲. مجلس در دوران جمهوری اسلامی
۱۸۵	۳. ادوار مجلس شورای اسلامی
۱۸۵	مجلس دوره‌ی اول (۱۳۶۳-۱۳۵۹)
۱۸۶	مجلس دوره‌ی دوم (۱۳۶۷-۱۳۶۳)
۱۸۶	مجلس دوره‌ی سوم (۱۳۷۱-۱۳۶۷)
۱۸۶	مجلس دوره‌ی چهارم (۱۳۷۵-۱۳۷۱)
۱۸۶	مجلس دوره‌ی پنجم (۱۳۷۹-۱۳۷۵)
۱۸۷	مجلس دوره‌ی ششم (۱۳۸۳-۱۳۷۹)
۱۸۷	مجلس دوره‌ی هفتم (۱۳۸۷-۱۳۸۳)
۱۸۷	مجلس دوره‌ی هشتم (ادامه دارد- ۱۳۸۷)
۱۸۸	جمع بندی
	گفتار پانزدهم:
۱۹۱	جایگاه امنیت ملی در نظام جمهوری اسلامی
۱۹۱	پیش درآمد
۱۹۱	۱. مفهوم امنیت
۱۹۲	۲. گفتمان امنیتی پهلوی اول و دوم
۱۹۶	۳. گفتمان امنیتی امام خمینی (ره)
۱۹۸	جمع بندی
	گفتار شانزدهم:
۲۰۱	به سوی اقتصاد ملت محور
۲۰۱	پیش درآمد
۲۰۱	۱. اقتصاد ایران در زمان پهلوی اول و دوم
۲۰۶	۲. اقتصاد ملت محور
۲۱۰	جمع بندی
	گفتار هفدهم:
۲۱۱	به سوی خودگردانی «مردم محور» در شهرها و روستاها
۲۱۱	پیش درآمد

۱. لزوم تأسیس شوراها..... ۲۱۲
۲. چگونگی شکل گیری شوراها..... ۲۱۳
۳. وظایف عمده‌ی شورای شهر..... ۲۱۵
۴. ویژگی‌های اعضای شوراهای شهرها..... ۲۱۸
۵. لزوم همکاری مردم با شورای شهر..... ۲۱۹
- جمع بندی ۲۱۹

گفتار هجدهم:

- تداوم معقولی از آزادی مطبوعاتی..... ۲۲۱
- پیش درآمد..... ۲۲۱
۱. سرکوب مطبوعات در زمان پهلوی..... ۲۲۱
۲. آزادی مطبوعات در جمهوری اسلامی ایران..... ۲۲۴
۳. آزادی مطبوعات از منظر امام (ره)..... ۲۲۶
- جمع بندی ۲۲۹

گفتار نوزدهم:

- تداوم آزادی سیاسی و صیانت از آن..... ۲۳۱
- پیش درآمد..... ۲۳۱
۱. مفهوم آزادی از منظر امام(ره)..... ۲۳۲
۲. قیام برای آزادی..... ۲۳۴
- جمع بندی ۲۳۸

گفتار بیستم:

- مدیریت بحرانهای داخلی..... ۲۴۱
- پیش درآمد..... ۲۴۱
۱. مبنا و روش مدیریت و تصمیم گیری امام خمینی(ره)..... ۲۴۲
- الف) تکلیف‌شناسی (بیداری)..... ۲۴۳
- ب) عمل به تکلیف (قیام)..... ۲۴۳
- ج) انگیزه‌ی الهی تکلیف (قیام لله) تکلیف‌شناسی ۲۴۴
۲. پیروزی انقلاب اسلامی و بحرانهای پیش رو ۲۴۵
۳. اقدامات عملی امام (ره) در مدیریت بحرانهای داخلی ۲۴۷

۲۴۷	۳-۱. برخورد نرم.....
۲۵۱	۳-۲. برخورد سخت و قاطع.....
۲۵۲	جمع بندی.....
	گفتار بیست و یکم:
۲۵۳	تداوم منطقی تکثر سیاسی.....
۲۵۳	پیش درآمد.....
۲۵۴	۱. نیروهای مذهبی.....
۲۵۵	۲. نیروی لیبرال.....
۲۵۶	۳. نیروی سوسیالیست.....
۲۵۷	۴. نیروی التقاطی.....
۲۵۹	جمع بندی.....
	گفتار بیست و دوم:
۲۶۱	تولید علم.....
۲۶۱	پیش درآمد.....
۲۶۲	۱. آموزش عالی قبل از انقلاب اسلامی.....
۲۶۴	۲. انقلاب اسلامی.....
۲۶۸	۳. تولید علم در ایران بعد از انقلاب.....
۲۶۹	جمع بندی.....
	گفتار بیست و سوم:
۲۷۱	حفظ تمامیت ارضی کشور؛ مدیریت جنگ تحمیلی.....
۲۷۱	پیش درآمد.....
۲۷۲	۱. امام خمینی (ره) فرماندهی کل قوا.....
۲۷۶	جمع بندی.....
	گفتار بیست و چهارم:
۲۷۹	تجدید حیات دین.....
۲۷۹	پیش درآمد.....
۲۷۹	۱. به انزوا کشیدن دین و مذهب در زمان پهلوی اول و دوم.....
۲۸۲	۲. احیای اسلام و تشیع.....
۲۸۴	۳. جهانی بودن نهضت امام خمینی (ره).....

۲۸۹	جمع بندی
	گفتار بیست و پنجم:
۲۹۱	از سیاست خارجی وابسته تا سیاست خارجی مستقل
۲۹۱	پیش درآمد
۲۹۱	۱. سیاست خارجی وابسته و فرمایشی
	۲. پیروزی انقلاب اسلامی، شکل گیری سیاست خارجی مستقل و براساس
۲۹۴	منافع ملی
۲۹۵	۲-۱. نفی سبیل
۲۹۷	۲-۲. دفاع از مستضعفین و کمک به نهضت های آزادی بخش
۲۹۸	۲-۳. حفظ تمامیت ارضی و ام القرای اسلامی
۲۹۹	جمع بندی
	گفتار بیست و ششم:
۳۰۱	پیروزی انقلاب اسلامی و دمیدن روح امید در کالبد فلسطین
۳۰۱	پیش درآمد
۳۰۲	۱. رژیم پهلوی، متحد استراتژیک اسرائیل
۳۰۵	۲. پیروزی انقلاب اسلامی و تجدید حیات جنبش های اسلامی
۳۰۸	جمع بندی
	گفتار بیست و هفتم:
۳۱۱	چالش با آمریکا؛ تنزل دهی از سطح ابرقدرت جهانی به سطح شیطان بزرگ
۳۱۱	پیش درآمد
۳۱۱	۱. روابط تحقیر آمیز امریکا با شاه
۳۱۵	۲. پیروزی انقلاب اسلامی و تحقیر ایالات متحده امریکا در جهان
۳۱۹	جمع بندی
	گفتار بیست و هشتم:
۳۲۱	رهبری انقلاب اسلامی، منادی وحدت جهان اسلام
۳۲۱	پیش درآمد
۳۲۲	۱. ضرورت و اهمیت وحدت در قرآن
۳۲۳	۲. امام خمینی (ره) و استراتژی وحدت در جهان اسلام

فهرست مطالب □ ۱۳

۳۲۶	۳. عوامل و اسباب تحقق وحدت اسلامی از نظر امام خمینی (ره).....
۳۲۶	۳-۱. پیروی از دستورهای قرآن کریم.....
۳۲۶	۳-۲. تشکیل حکومت و امت واحده.....
۳۲۷	۳-۳. برادری.....
۳۲۸	۳-۴. پرهیز از مسائل تفرقه افکن.....
۳۳۱	جمع بندی.....
	گفتار بیست و نهم:
۳۳۳	تداوم مردم سالاری دینی.....
۳۳۳	پیش درآمد.....
۳۳۳	۱. سابقه دموکراسی در تاریخ ایران.....
۳۳۷	۲. مردم سالاری، حلال چالش دین و دموکراسی در ایران.....
۳۳۹	جمع بندی.....
	گفتار سی ام:
۳۴۳	آسیب شناسی انقلاب اسلامی از منظر امام خمینی (ره).....
۳۴۳	پیش درآمد.....
۳۴۵	۱. انحراف از ارزش های اسلامی و اخلاقی.....
۳۴۵	۲. اختلاف و تفرقه.....
۳۴۶	۳. بی تفاوتی سیاسی.....
۳۴۶	۴. خود باختگی.....
۳۴۷	۵. تحریف آرمان ها و ارزش ها.....
۳۴۷	۶. جریان نفاق.....
۳۴۸	۷. خروج از ساده زیستی و گرایش به اشرافیگری.....
۳۵۰	۸. اختلاف بین شیعه و سنی.....
۳۵۳	نتیجه گیری.....
۳۵۵	کتاب نامه.....

سخن ناشر

تربیت اسلامی، مرجعیت علمی

«کاری کنید که دانشگاه امام صادق علیه السلام ... مرجع تحقیقات مراکز علمی و دانشگاه‌های دنیا بشود» مقام معظم رهبری^۱

فلسفه وجودی دانشگاه امام صادق علیه السلام که از سوی ریاست دانشگاه به کرات مورد توجه قرار گرفته است، تربیت نیروی انسانی‌ای متعهد، باتقوا و کارآمد در عرصه عمل است تا از این طریق دانشگاه بتواند نقش اساسی خود را در عرصه نظر و عمل به انجام رساند.

از این حیث «تربیت» را می‌توان مقوله‌ای محوری یاد نمود که وظایف و کارویژه‌های دانشگاه، در چارچوب آن معنا می‌یابد زیرا که علم بدون تزکیه پیش از آنکه ابزاری در مسیر تعالی و اصلاح امور جامعه باشد، عاملی مشکل ساز خواهد بود که سازمان و هویت جامعه را متأثر و دگرگون می‌سازد.

از سوی دیگر «سیاست‌ها» تابع اصول و مبادی علمی هستند و نمی‌توان منکر این تجربه تاریخی شد که استواری و کارآمدی سیاست‌ها در گرو انجام پژوهش‌های علمی و بهرمندی از نتایج آنهاست. از این منظر پیشگامان عرصه علم و پژوهش، راهبران اصلی جریان‌های فکری و اجرایی به حساب می‌آیند و نمی‌توان آینده درخشانی را بدون توانایی‌های علمی - پژوهشی

۱. از بیانات مقام معظم رهبری در ملاقات اساتید و دانشجویان دانشگاه امام صادق (ع) مورخ

رقم زد و سخن از «مرجعیت علمی» در واقع پاسخ‌گویی به این نیاز بنیادین است.

دانشگاه امام صادق علیه السلام در واقع یک الگوی عملی برای تحقق ایده دانشگاه اسلامی در شرایط جهان معاصر است. الگویی که «ربع قرن» تجربه شده و هم اکنون ثمرات نیکوی این شجره طیبه در فضای ملی و بین‌المللی قابل مشاهده است. طبعاً آنچه حاصل آمده محصول نیت خالصانه و جهاد علمی مستمر مجموعه بنیانگذاران این نهاد است که امید می‌رود در طلیعه دور جدید فعالیتش بتواند به توسعه و تقویت آنها در پرتو عنایات حضرت حق تعالی، اهتمام ورزد.

معاونت پژوهشی دانشگاه امام صادق علیه السلام با توجه به شرایط، امکانات و نیازمندی جامعه در مقطع کنونی با طرحی جامع نسبت به معرفی دستاوردهای پژوهشی دانشگاه، ارزیابی سازمانی - کارکردی آنها و بالاخره تحلیل شرایط آتی اقدام نموده که نتایج این پژوهش‌ها در سال جاری و به بهانه ۲۵ سال تأسیس دانشگاه امام صادق علیه السلام در قالب کتاب، گزارش، نشریات علمی و..... تقدیم علاقه‌مندان می‌گردد.

هدف از این اقدام ضمن قدردانی از تلاش خالصانه تمام کسانی که با آرمان و اندیشه‌ای بزرگ و ادعایی اندک در این راه گام نهادند، درک کاستی‌ها و اصلاح آنها زمینه پرورش نسل جوان و علاقه‌مند به طی این طریق را نیز فراهم خواهد کرد.

امید آنکه با گسترش کمی و کیفی دانشگاه‌های اسلامی در کشور و توسعه آنها در افق جهانی، شاهد ظهور انوار «علم مفیدی» باشیم که راه‌گشای جهانیان در گذار از شرایط کنونی برای نیل به سعادت واقعی باشد. در این راستا انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام آمادگی کامل خود را برای دریافت و انتشار کلیه آثاری که با این هدف تهیه و تولید شده‌اند - اعم از منظرهای انتقادی، تحلیلی، توصیفی و کاربردی - اعلام می‌دارد.

مقدمه

اکنون که بیش از سی سال از عمر نظام مقدس جمهوری اسلامی می‌گذرد، بسیاری از مسائل مربوط به انقلاب اسلامی و نظام سیاسی برآمده از آن تبیین شده است. آموزه‌های زیادی از اسلام شیعی در میدان عملی سیاست مورد چالش قرار گرفته است و جامعه و زمانه، نیاز شدید خود را به ادبیات سیاسی جدید درباره‌ی انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی به نمایش گذاشته است.

گرچه مفاهیمی که بنیادهای نظری انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی را تشکیل می‌دهد در زبان و شکل مذهبی خود، برای مردم ایران و بسیاری از مسلمانان جهان دیرآشنا بوده‌اند، اما با تولد نهضت اسلامی ایران، پیروزی انقلاب اسلامی و تأسیس، تثبیت و تداوم نظام مردم‌سالارانه‌ی دینی جمهوری اسلامی؛ این مفاهیم به طور طبیعی شکلی سیاسی به خود گرفتند و در برابر یا در عداد سایر مفاهیم سیاسی رایج جهان مطرح گردیدند. و همین موجب شد که تلاش شود تا توجیحات سیاسی از این مفاهیم ارائه گردد.

این مسئله زمانی جدی‌تر شد که نظام جمهوری اسلامی توانست با گذر از بحران‌ها و نوسان‌های سیاسی سی‌ساله، برای خود، هم برنامه‌ی توسعه و

هم سند چشم‌انداز تنظیم نماید و درصدد اجرای آن برآید و از همین طریق تجربه‌ی جدیدی را به جهان عرضه نماید. این تجربه در ابعاد سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی بود و مهم‌تر از همه استقلال خارجی نظام را به نمایش می‌گذاشت.

نظر به اینکه این تجربه در نوع خود جدید است و تازگی دارد و دارای عمر کمی است و کمتر آثار مدوّن بومی درباره‌ی آن موجود است و از سوی دیگر، نیاز دانشگاهی و عمومی به اطلاعات مدوّن و متون پژوهشی درباره‌ی آن ضروری است، لذا باید تلاش‌های علمی بیشتری در این حوزه صورت پذیرد تا چند گام مهم عملی گردد:

اول- تبیین‌های علمی بومی هرچه بیشتری از انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی صورت پذیرد؛

دوم- این تبیین‌ها انباشته شده و به تولید دانش بومی در حوزه‌ی انقلاب و نظام سیاسی کمک نماید؛

سوم- با تجدید نظر مکرر در این آثار و روزآمدسازی آنها نیاز نسل جدید دانش پژوه و دانشگاهی در این زمینه مرتفع گردد؛

چهارم- با برگردان این آثار به سایر زبان‌ها، تجربه‌ی نظام جمهوری اسلامی و انقلاب اسلامی به شکل علمی در معرض قضاوت دانش پژوهان سایر کشورها قرار گیرد؛

و پنجم اینکه میراثی گرانبها از این آثار برای نسل‌های بعد به یادگار گذاشته شود.

با عنایت به این نگاه معرفتی است که مجموعه‌ی حاضر درباره‌ی جمهوری اسلامی ایران در سی گفتار به رشته‌ی تحریر درآمده است. در تحریر این مجموعه مبنا بر این بوده است که با تمرکز بر جمهوری اسلامی ایران؛ به نوعی مقدمات شکل‌گیری جمهوری اسلامی (که از دین اسلام ریشه گرفته)، بنیان و سپس برنامه‌ها و تغییرات صورت گرفته در حوزه‌های

مختلف آن بیان گردد. با تقدیم این اثر به جامعه‌ی علمی ایران اسلامی، امید است گام کوچکی در این زمینه برداشته شود.

در اینجا لازم است از جناب آقای محمدمهدی کوشا که زحمت زیادی را در تصحیح این اثر متحمل شدند، معاون محترم پژوهشی دانشگاه امام صادق (ع) جناب آقای دکتر اصغر افتخاری که با نقطه‌نظرهای کارشناسانه‌ی خود بر غنای آن افزودند و همکاران محترم ایشان در انتشارات دانشگاه امام صادق (ع) که زحمت چاپ و انتشار این اثر را به دوش کشیدند، و جناب آقای مصطفی فیض که اثر را دقیق ویراستاری نمودند، تشکر و قدردانی نموده و توفیق روز افزون همه‌ی آنان را از درگاه ایزد منان خواستار باشم.

غلامرضا خواجه‌سروی

پاییز ۱۳۸۸

گفتار اول:

خاستگاه زمانی طرح نظریه حکومت اسلامی در عصر غیبت

«در صد سال [اخیر] حوادثی اتفاق افتاده است که هر کدام در جنبش امروز ملت ایران تأثیری داشته است، انقلاب مشروطیت، جنبش تنباکو و... قابل اهمیت فراوان است»
(صحیفه امام، ۱۳۷۸ ج ۵: ۴۰۷)

پیش درآمد

تاریخ ایران از دیرباز با سلطه‌ی حکومت‌های استبدادی- پادشاهی رقم خورده است. آخرین دوره‌ی پادشاهی که استبداد در آن در بالاترین درجه‌ی خود وجود داشت و مبارزات سیاسی ملت ایران علیه آن آغاز و با هدف اضمحلال استبداد تداوم یافت، دوره‌ی قاجار بود. پادشاهان قاجاری همانند اسلاف خویش، خود را خدای روی زمین می‌دانستند و با اعتقاد به این که کشور و آنچه در آن است، تمام عیار به آنان تعلق دارد و مردم ایران نیز بردگان و اموال آنان هستند، هرگونه تصرفی که مطابق میل خودشان بود در اموال و نفوس کشور انجام می‌دادند و حق حکومت را به طور کامل از آن خود و مردم را فاقد هرگونه حقی می‌دانستند و آنان را «حکومت‌شوندگان علی‌الاطلاق» به حساب می‌آوردند.

«فقط خدا می‌داند که سلطنت ایران از آغاز پیدایش خود چه جنایتهایی کرده است. جنایات پادشاهان تمام تاریخ ما را سیاه کرده است، مگر پادشاهان نبودند که به قتل عام خلاق فرمان می‌دادند و بدون کمترین وسواس دستور سر بردن می‌دادند. از نظر پیغمبر اسلام کلمه ملک‌الملوک نفرت‌انگیزترین کلمات در نزد خداوند است. اصول اسلامی با سلطنت مخالف است. کاخ‌های استبداد شاهنشاهی ایران را ویران کنید. سلطنت یکی از شرم‌آورترین و پست‌ترین ارتجاع‌هاست.» (موسوی خمینی، ۱۳۶۹، ج ۱: ۱۶۵ - ۱۷۵)

اینک روند زمانی تولد طرح حکومت اسلامی در عصر غیبت را بررسی می‌کنیم.

۱. عدالت خواهی به مثابه خواسته‌ی اصلی مردم ایران

جنبش عدالت خواهی، مهم‌ترین عکس‌العمل نسبت به ستمبارگی دستگاه حکومتی قاجارها بود که هدفی جز برقراری عدالت اجتماعی در شکل اولی‌ی خود در جامعه نداشت. آنچه از عدالت منظور نظر عموم بود، چیزی جز رفع آشکال مختلف ستم رایج از زندگی مردم نبود. درخواست‌های مبارزان سیاسی آن زمان نیز همین عدالت را تداعی می‌کرد که همگان می‌توانند آشکارا و به طور ملموس آن را دریابند. برداشتن "عسکر گاریچی" از راه قم و رفع مظالمی این گونه، بیانگر خواست‌های ابتدایی مردم بود. اینها همه به این خاطر بود که دستگاه قضایی مستقلی وجود نداشت و در مسائل قضایی، تنها می‌توان میانجیگری سران کشور، نزدیکان شاه و روحانیون بلندپایه را دید که سنت بست نشینی و تحصن از نتایج چنین نظام قضایی است. (کاتوزیان، ۱۳۸۰: ۷-۲۳) در این راستا، اولین مطالبه‌ی آنان تشکیل یک هیأت نمایندگی مستقل برای اداره‌ی عدلیه و تأمین حقوق افراد در برابر تجاوزات دولت بود. (دانشنامه‌ی ایرانیکا، ۱۳۸۲: ۴۲) آنچه مردم از عدالت

منظور داشتند در طول سال‌های زندگی خود از مکتب شیعه آموخته بودند. این هدف برای همه‌ی مردم و علما، امری کاملاً آشنا بود که برای تحقق آن قیام کرده و به هجرت کبرا و صغرا رفتند.

به زودی جنبش عدالت‌خواهی توسط لیبرال‌ها و سفارت انگلستان دچار استحاله شد و به مشروطه‌خواهی تبدیل گردید. نام مشروطیت در ابتدای جنبش، مطرح نبود و مردم به دنبال تأسیس "عدالتخانه" بودند. در این مقطع حساس، روشنفکران سکولار، دخالتی در قیام مردمی نداشتند. اشاعه‌ی این واژه در ادامه‌ی قیام - به ویژه پس از تحصن در سفارت انگلیس - اتفاق افتاد. (ابوالحسنی، ۱۳۸۰: ۵۶) دولت انگلستان از زمان امضای فرمان مشروطیت، که با پادرمیانی سفارتش در ایران عملی شد، ضمن حفظ اقتدار خویش در دربار، خود را با مشروطه‌خواهان نیز همراه کرده بود و اصلاحات مورد درخواست مردم را به سمت و سوی استقرار نوعی حکومت لیبرال دموکراسی هدایت می‌نمود. پس از فتح تهران، آنان توانستند با استفاده از جوهرج و مرج و خشم آلوده‌ی زمان، یکی از جریانهای مزاحم خود؛ یعنی مشروعه‌خواهان (به رهبری شیخ فضل‌الله نوری) را از میدان به در کنند.^۱ (انصاری، ۱۳۶۹: ۲۴۷)

مرحوم شیخ فضل‌الله نوری از علمای بزرگ تهران و از رهبران جنبش مشروطه، در ابتدای جنبش به هواداری از آن برخاست، اما با آشکار شدن ماهیت و مبنای غربی تفکر مشروطه‌خواهی و نیز ملاحظه‌ی مشروطه‌خواهان وابسته و حمایت‌های بیگانگان از مشروطه، خواستار تطبیق قوانین مشروطه با اسلام شد. او در جواب کسانی که وی را مستبد می‌خواندند، می‌گفت: «من به هیچ وجه منکر مجلس شورای ملی نیستم بلکه مدخلیت

۱ - "سردیس رایت" سفیر وقت انگلیس در ایران در خاطرات خود در موارد متعددی به برنامه‌ریزی دولت متبوع خود برای تبدیل کردن سفارتخانه و کنسولگریهای کشورش در ایران به «مأمین» و «پناهگاه» مشروطه‌خواهان جهت پیاده کردن مقاصد اصلی خود اشاره کرده است. (رایت، ۱۳۶۵: ۲۸۴ - ۳۷۲)

خود را در باب تأسیس این اساس بیش از همه کس می‌دانم، من [آن] مجلس شورای ملی را می‌خواهم که اساسش بر اسلامیت باشد و بر خلاف شریعت، قانونی نگذارد» (ترکمان، ۱۳۶۲: ۱۹۱) از نکاتی که خشم شیخ را بر می‌انگیخت حمایت انگلیس از مشروطه و وابستگی آشکار برخی مشروطه خواهان به بیگانگان بود. او می‌گفت: "اگر بنای مشروطه بر حفظ دولت اسلام بود، چرا یک عضوی از روس پول می‌گرفت و دیگری از انگلیس". یا می‌گفت: "اسلام دنیا را به عدل و شورا گرفت؛ آیا چه افتاده است که امروز باید دستور عدل ما از پاریس برسد و نسخه‌ی شورای ما از انگلیس بیاید." (ترکمان، ۱۳۶۲: ۵۲۸)

همانگونه که شیخ فضل‌الله نوری پیش بینی کرده بود، مشروطه‌ای که در ایران استوار گردید، نتوانست به اهداف خود دست یابد و چندی نگذشت که مشروطه چپان با دست خود به حکومت رضاخان سردار سپه رضایت دادند. روی کار آمدن رضاخان، دوره‌ی شانزده ساله‌ی تاریکی را در ایران رقم زد که حاصل آن جز استبداد سیاسی چیز دیگری نبود. به عبارت دیگر، نهضت مشروطه‌ی ایران با وجود اهداف اولیه اش (مبارزه با استبداد و تأسیس عدالتخانه) به نوع جدیدی از استبداد منجر شد. از این روی در انقلاب اسلامی ریشه‌ی اصلی استبداد، که وجود نظام شاهنشاهی بود، هدف قرار گرفت.

۲. احیاگری امام خمینی (ره)

«من از همان زمان، از کودتای رضا خان تا امروز شاهد همه مسائل بوده‌ام»

(صحیفه امام، ۱۳۷۸، ج ۷، ص ۲۴۹)

نهضت اسلامی امام خمینی، اوج تمامی حرکت‌ها و جنبش‌های اسلامی تاریخ اسلام و تشیع و تبلور همه‌ی آمال و آرمانهای انقلابی نهضت‌هایی بود که قبلاً به وقوع پیوسته بود. امام خمینی (ره)، رهبر انقلاب اسلامی، یک

انسان ایده آل با همه‌ی صفات و ویژگی‌های برجسته و تبلور سنتی علمای شیعه و شیوه‌ی رهبری ایشان نتیجه‌ی یک سنت تاریخی طولانی از صدر اسلام بود. (ملکوتیان، ۱۳۸۷: ۸۳) امام(ره) در شرایطی دیده به جهان گشودند که ایران یکی از سخت‌ترین ادوار تاریخ خویش را تجربه می‌کرد. شکست نهضت مشروطیت، کودتای رضاخان، جنگ جهانی اول و دوم و نهضت ملی شدن صنعت نفت ایران از جمله حوادث و وقایع مهمی بودند که امام(ره) تا پیش از آغاز نهضت در سال ۱۳۴۲، تجربه کرده بود.

امام خمینی(ره) در اوّلین کتاب سیاسی خود؛ یعنی «کشف اسرار» در سال ۱۳۲۲هـ.ش، فجایع دوره‌ی سلطنت پهلوی اول را افشا و از تداوم استبداد رضاخانی و تداوم خط فکری غرب‌گرایان در کشور ابراز نگرانی کرد. از نظر ایشان، رضاخان جاده صاف کن ورود استعمار به کشور و عامل اصلی انهدام هویت ملی و مذهبی کشور به شمار می‌رفت. به طوری که در سال ۱۳۲۳ یعنی سه سال بعد از به قدرت رسیدن محمد رضا شاه به وسیله‌ی متفقین، در کتاب کشف اسرار نسبت به تداوم حکومت دیکتاتوری رضاخانی هشدار داد و خواستار تغییر اساسی در ساختار و مناسبات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی گذشته شد. (موسوی خمینی، ۱۳۶۱: ۲۲۵)

۲-۱. پی‌ریزی نهضت اسلامی

امام(ره) قبل از شروع به ساختن و پرداختن انقلاب، با توجه به قاعده‌ی فقهی و عقلی "وجوب مقدمه‌ی امر واجب"، از سال ۱۳۲۳، یعنی زمان نوشتن کتاب "کشف اسرار"، پی‌ریزی مقدمات انقلاب و مبارزه نظری با رژیم پهلوی را شروع کرد. مطابق نظریه‌ی سیاسی امام، لازم بود علمای اعلام و فقهای اسلام نسبت به تشکیل حکومت اسلامی، احساس مسئولیت و تکلیف کنند. امام فقها را نه در لباس ساده‌ی مسئله‌گویان یا نصیحت پردازانی مرافق و موافق، بلکه در چهره‌ی صاحبان اصلی قدرت می‌دید. (اخوان مفرد، ۱۳۸۶: ۸۳) از آنجا که چنین تلقی و تفکری در حوزه‌ها؛

محلّی از اعراب نداشت، عکس این مسئله نیز صادق بود، یعنی اغلب روحانیون در آن مقطع، دخالت در سیاست را یک امر مذموم تلقی می کردند، لذا می بینیم که تلاش عمده ی امام تا سال ۱۳۴۲ صرف مبارزه با جمود سیاسی حاکم بر حوزه ی علمیه و تلاش برای تربیت نیرو و کادرسازی برای انجام چنین مهمی؛ یعنی انقلاب اسلامی شد. (صباغ جدید، ۱۳۸۶: ۲۵۷)

امام (ره) که در پی فرصتی برای آغاز یک تحوّل بنیادین در حوزه ی علمیه و بازگرداندن دوباره ی علما به صحنه ی مبارزه بودند، این فرصت را با تصویب لایحه ی انجمن های ایالتی و ولایتی توسط دولت، به دست آوردند. لایحه در شرایطی به تصویب رسید که حکومت پس از فوت آیت الله بروجردی - فروردین ۱۳۴۰ - تصور می کرد که نیروی روحانیت از نظر مرجعیت سیاسی رو به ضعف نهاده است. در اسفند ۱۳۴۰ نیز آیت الله کاشانی دار فانی را وداع گفت. از طرفی امام خمینی (ره) پس از فوت آیت الله بروجردی و علیرغم استقبال حوزه ی علمیه و مردم، کوچکترین قدمی برای مرجعیت خود برنداشت و حتی در مقابل پیشنهادات و اقدامات دوستان خویش در این مسیر، سرسختانه مقاومت می کرد. (انصاری، ۱۳۷۸: ۳۷)

مطبوعات روز ۱۶ مهر ۱۳۴۱ اعلام داشتند که دولت لایحه ی انجمن های ایالتی و ولایتی را تصویب کرده است و متن آن را انتشار دادند. به موجب این لایحه، واژه ی اسلام از شرایط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان حذف شده بود، انتخاب شوندگان نیز به جای سوگند به قرآن می توانستند به هر کتاب آسمانی سوگند یاد کنند. افزون بر این، در مصوبه، به زنان نیز حق رأی داده شده بود.

رژیم پهلوی قصد داشت موجودیت خود را از راه اصلاحات سیاسی و اقتصادی تحکیم نماید و این اصلاحات، دیکته شده از جانب دولت آمریکا بود و با دخالت آمریکا و اسرائیل در امور ایران انجام می گرفت، بدین ترتیب نیروهای سیاسی علیه رژیم وارد عمل شدند. مهم ترین نیروی عمل کننده

علیه رژیم شاه در این مقطع زمانی، نیروی مذهبی ای بود که رهبری آن را علمای شیعه و در رأس همه‌ی علما، حضرت امام خمینی (ره) بر عهده داشتند. ایشان که تصویب لایحه‌ی مذکور را مقدمه‌ی برنامه‌های ضد قانونی و ضد اسلامی رژیم شاه می‌دانست، بلافاصله علمای طراز اول قم را دعوت کرد تا در منزل فرزند شیخ عبدالکریم حائری، بنیانگذار حوزه علمیه قم، گرد هم آیند و درباره‌ی این لایحه به مشورت و تصمیم‌گیری بپردازند؛ پس از آن مراجع قم تلگرافی به علم‌مخبره کردند. امام (ره) در تلگراف خود، بی آن که علم را با عنوان نخست وزیر خطاب کند، تصویب لایحه‌ی مذکور را مخالف «شرع مقدس» و «مباین صریح قانون اساسی» دانست و ضمن توصیه به رعایت قوانین اسلام، تأکید نمود که «علمای ایران و عتبات مقدسه و سایر مسلمانان در امور مخالفت با شرع، ساکت نخواهند ماند». (موسوی خمینی، ۱۳۶۹، ج ۱: ۳۸ - ۳۹)

با تلاش‌های پیگیر امام (ره) و مراجع قم و پشتیبانی مردم، لایحه‌ای که در مهر ماه سال ۱۳۴۱ به تصویب دولت رسیده بود در آذرماه همان سال لغو شد و در روزنامه‌های دولتی منعکس شد، اما فردای آن روز امام (ره) در جلسه‌ای که در منزل یکی از علمای قم برگزار شد، سخنانی ایراد فرمودند که بر خلاف انتظار بود. در این جلسه در حالی که همه از عقب نشینی دولت خوشحال بودند امام فرمودند: تمام اینها خیمه شب بازی است، دروغ است. اینها برنامه‌های اساسی تری برای این مملکت دارند و این شکلی که عملی شده، فریب و نیرنگی برای شما علما است. باید در انتظار توطئه‌های بزرگتری باشید و من به شما اعلام خطر می‌کنم. (روحانی: ۱۳۷۲: ۱۷۵)

۲-۲. طرح بُعد سلبی نهضت اسلامی ایران

"در تاریخچه زندگی سراسر حماسه و مبارزه‌ی امام خمینی علیه رژیم پهلوی و حامیان امریکایی و صهیونیستی آن، نهضت ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ یک نقطه‌ی عطف محسوب

می‌شود، به طوری که انقلاب اسلامی ایران را تداوم نهضت ۱۵ خرداد می‌دانند. قیام ۱۵ خرداد، مبارزه‌ای بود که سه عنصر اسلام، امام خمینی و مردم، پایه‌ها و عوامل اصلی تشکیل آن بودند. " (خامنه‌ای، ۱۸ خرداد ۱۳۶۳)

نقطه‌ی کانونی مخالفت علما با رژیم شاه، مخالفت با مداخلات روز افزون دولت آمریکا و اسرائیل در امور ایران بود. حق این بود که اگر قرار است اصلاحاتی صورت گیرد باید آن اصلاحات مبتنی بر نیازهای داخلی و توسط نیروهای داخلی صورت پذیرد و حالت دیکته شده نداشته باشد. این در حالی بود که آمریکا و اسرائیل به طور روز افزون در امور داخلی ایران دخالت می‌کردند و از این کار نیز ابایی نداشتند. طبیعی بود که رهبران مذهبی، دخالت سوجدویانه‌ی کفار را در امور مسلمانان برنتابند. مبارزه‌ی طیف مذهبی با رژیم شاه، که از این نقطه آغاز شد، به تدریج وسعت یافت و فراگیر شد و رژیم شاه را در موضع ضعف قرار داد.

سخنرانی عصر عاشورای حضرت امام علیه رژیم شاه که با درون‌مایه‌ی مبارزه علیه مداخله‌ی استعماری آمریکا و اسرائیل در امور داخلی ایران انجام شد، موجب دستگیری ایشان و قیام عمومی و حمایت از ایشان در ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ گردید. حضرت امام، علی‌رغم تهدید رژیم در ساعت ۴ بعد از ظهر عاشورا که مصادف با ۱۳ خرداد سال ۱۳۴۲ بود، برای ایراد سخنرانی به طرف مدرسه فیضیه رهسپار شد. عصر روز عاشورا که یادآور شهادت امام حسین (ع) است، حالت معنوی خاص و غیر قابل توصیفی را در جامعه‌ی اسلامی ایران ایجاد می‌کند و امام هم با استفاده از این لحظات معنوی و الهی به افشای ماهیت رژیم پهلوی پرداخت. حضرت امام، با اشاره به التزام گرفتن ساواک از وعاظ که به شاه و اسرائیل بدگویی نکرده و نگویید که اسلام در خطر است، اظهار داشت:

خاستگاه زمانی طرح نظریه حکومت اسلامی در عصر غیبت □ ۲۹

«تمام گرفتاری‌ها و اختلافات ما در همین سه موضوع نهفته است... اگر ما نگوئیم اسلام در خطر است آیا در معرض خطر نیست؟ اگر ما نگوئیم شاه چنین و چنان است آیا آن طور نیست، اگر ما نگوئیم اسرائیل برای اسلام و مسلمین خطرناک است آیا خطرناک نیست، و اصولاً چه ارتباطی و تناسبی بین شاه و اسرائیل است که سازمان امنیت می‌گوید از شاه صحبت نکنید، از اسرائیل صحبت نکنید؟ آیا به نظر سازمان امنیت، شاه اسرائیلی است؟ آیا به نظر سازمان امنیت، شاه یهودی است؟ آقای شاه! شاید اینها می‌خواهند تو را یهودی معرفی کنند که من بگویم کافری تا از ایران بیرون کنند و به تکلیف تو برسند؟!». (مدنی، ۱۳۶۴، ج ۲، ۴۰)

قیام ۱۵ خرداد گرچه در یک روز صورت گرفت، اما نشان داد که رژیم اصلاح‌پذیر نبوده و باید آن را نابود ساخت، زیرا شاه علناً اعلام کرده بود که اگر آسمان به زمین بیاید، یا زمین به آسمان برود، باید این اصلاحات صورت گیرد و در مقابل، علما نیز بر قطع مداخله‌ی خارجی در امور داخلی ایران اصرار می‌ورزیدند. علاوه بر آن، رئیس دولت وقت روز ۱۵ خرداد به نیروهای نظامی دستور داد هیچ گلوله‌ای هدر داده نشود و تیر هوایی شلیک نگردد بلکه به جای آن سینه تظاهر کنندگان هدف قرار گیرد، حاکی از قصد رژیم برای سرکوب هر حرکت مخالفی بود؛ شاه در سخنرانی ۲۸ اردیبهشت ۱۳۴۲ گفت:

"اگر لازم باشد که انقلاب بزرگ با خون یک عده بی‌گناه، یعنی مأموران دولت و یک عده بدبخت گمراه متأسفانه آغشته شود، این کاری است که چاره‌ای نیست و خواهد شد".
(روحانی، ۱۳۷۲: ۴۲۶)

پس از قیام ۱۵ خرداد، رژیم شاه همه‌ی حرکت‌های مخالف را سرکوب کرد و فعالان سیاسی را به زندان انداخت. بسیاری از سیاسیون، ناامید از

مقابله با رژیم تسلیم شدند و برخی راه خروج از کشور را در پیش گرفتند، همچنین بازار فعالیتهای سیاسی و غیراسلامی و مخصوصاً جریان چپ و ملی‌گرایی از رونق افتاد. امام خمینی(ره) در این مبارزه، آخرین کلام راکه همانا سرنگونی رژیم بود، آشکارا اعلام کرده بود، بنابر این همه‌ی گروه‌های سیاسی، که به کمتر از این حد قانع بودند، جاذبه‌ی سیاسی خود را از دست دادند. بسیاری از علمای مذهبی حتی از اینکه بتوان خدشه‌ای به سلطنت پهلوی وارد کرد ناامید بودند تا چه رسد به این که بتوان پایه‌های رژیم را نابود ساخت؛ اما حضرت امام با تداوم مبارزه، به تدریج این نکته را ثابت کرد که می‌توان مبانی فکری و پایه‌های عملی رژیم را به چالش کشید.

۲-۳. طرح بُعد ایجابی نهضت اسلامی ایران

در ۱۳ مهر ماه ۱۳۴۳، مجلس شورای ملی لایحه‌ای را تصویب کرد که مطابق آن رئیس و اعضای هیئت‌های مستشاری نظامی ایالات متحده آمریکا، که در استخدام دولت شاهنشاهی بودند، از مصونیت‌هایی که طبق قرارداد وین شامل کارمندان اداری و فنی می‌شد، برخوردار شوند.^۱ (امینی، ۱۳۸۱: ۲۹۰) امام(ره) که مبارزات خود را براساس "نفی سبیل" که نفی کننده‌ی هرگونه سلطه‌ی خارجی بر جامعه‌ی مسلمانان است استوار ساخته بود، به موجب آیه‌ی شریفه‌ی «لن يجعل الله للكافرين على المؤمنين سبيلا» «خداوند هرگز نه در گذشته و نه در آینده برای کافران نسبت به اهل ایمان

۱ - برای مطالعه بیشتر

مظفر شاهی، ساواک: سازمان اطلاعات و امنیت کشور (۱۳۳۵ - ۱۳۵۷) چاپ اول، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۸۶.

عباس خلجی، اصلاحات آمریکایی، ۱۳۳۹ - ۱۳۴۲ و قیام ۱۵ خرداد، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۱.

قیام ۱۵ خرداد به روایت اسناد ساواک، ۴ جلد، چاپ اول، تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۳۷۸ - ۱۳۷۹.

خاستگاه زمانی طرح نظریه حکومت اسلامی در عصر غیبت □ ۳۱

راه تسلط باز نگذاشته و باز نخواهد نمود.» (سوره نساء، آیه ۱۴۱)، مخالفت خود را با کاپیتولاسیون آغاز نمود. امام براساس این اصل اعلام فرمودند:

«ما هم می‌خواهیم نیرویم زیر سلطه، ما اصل گفتنمان این است که آمریکا نباید باشد، نه آمریکا تنها، شوروی هم نباید باشد، اجنبی نباید باشد، منطق ما این است و فریاد ما هم همین است.» (صحیفه امام، ج ۴: ۹۱)

در واقع امام خمینی (ره) با اهتمام جدی بر این اصل، هر نوع روابط و قرارداد بین‌المللی را که منجر به نقض این اصل و نادیده انگاشتن آن شود، بی‌اعتبار دانسته و به تحریم چنین معاهداتی می‌پرداخت؛ زیرا از نظر آن حضرت:

«یک اصل... از اصول مهم است که مسلمین نباید تحت سلطه‌ی کفار باشند، خدای تبارک و تعالی برای هیچ یک از کفار سلطه بر مسلمین قرار نداده است و نباید مسلمین این سلطه کفار را قبول بکنند.» (صحیفه امام، ج ۱۶: ۳۴)

سخنرانی حضرت امام علیه کاپیتولاسیون، در کشور ولوله‌ای ایجاد نمود و رژیم شاه را شدیداً مستأصل کرد، از این رو هم رژیم و هم دولت آمریکا از روی استیصال و درماندگی به تبعید ایشان دست یازیدند. تبعید امام به خارج از کشور با هدف «قطع سر مبارزه» صورت گرفت. این قطع سر می‌توانست از تداوم تحرکات سیاسی جلوگیری نماید؛ اما حضرت امام خمینی پیوند نیک خود را با بدنه‌ی مبارزه همچنان حفظ کرد، به گونه‌ای که طیف‌های مبارز نیروی مذهبی، با وجود ایشان به سرنگونی رژیم شاه امیدوار شدند. این امیدواری در حقیقت معرفت بعد سلبی در مبارزه بود.

بعد "سلبی" به این معنی بود که مبارزان می‌دانستند چه چیزی را می‌خواهند نابود کنند، اما نمی‌دانستند که چه چیزی را می‌خواهند جای آن بگذارند. همین حضور بعد "سلبی" و نبود بعد ایجابی در مبارزه، کم‌کم

مبارزان را دلسرد و مبارزه را دچار بن‌بست می‌کرد؛ دلسردی و بن‌بست حاصله، مبتنی بر نوعی عقلانیت تاریخی بود که در ایران وجود داشت. بنابراین امام (ره) به این بُعد بسنده نکردند و در اقدامی عالمانه و عملی، بُعد ایجابی نهضت را، که عبارت از طرح نظریه‌ی حکومت اسلامی در عصر غیبت بود، مطرح ساختند.

مطابق قانون اساسی مشروطیت، رژیم حاکم بر ایران نوعی رژیم مذهبی به حساب می‌آمد که گرچه احکام شرع در آن رعایت نمی‌شد، اما به هر حال نسبت به سایر حکومت‌ها، مذهبی به حساب می‌آمد و شخص شاه نیز از نگاه مردم جهان، پادشاه شیعه محسوب می‌شد، در این صورت سیاسیون مؤمن ایران برای ریشه‌کنی ظلم و استبداد باید جایگزینی موجه‌تر از رژیم شاه می‌یافتند تا به جای آن استوار سازند؛ به عبارت دیگر به جای بد، خوب را بگذارند و چون تا پیش از طرح نظریه‌ی حکومت اسلامی در عصر غیبت یا «ولایت فقیه»، جایگزین بهتری برای رژیم پیدا نشده بود، بنابراین برای بسیاری از افراد سرنگونی رژیم شاه قابل توجیه نبود. ناامیدی حاصله در حال سرایت کردن به بخش‌های مختلف مبارزه بود که رهبر مبارزه به سال ۱۳۴۸ ضمن درس خارج فقه خود در تبعیدگاهش، «نجف اشرف»، راهبردی "ایجابی" را نیز ارائه کرد و حکومت اسلامی در عصر غیبت یا نظام ولایت فقیه را مطرح ساخت.

جمع بندی

حضرت امام (ره)، حکومت اسلامی را در عصر غیبت، به عنوان حکومت جایگزین رژیم شاه، پس از آغاز نهضت ارائه کرد. به این ترتیب حلقه‌ی سلب و ایجاب تکمیل شد و برای مبارزان مذهبی افق مبارزه کاملاً روشن شد. به عبارت دیگر با تولد دوباره‌ی طرح ولایت فقیه توسط امام (ره) برای طیف اکثریت مبارزان (که از نیروهای مذهبی بودند)، روشن شد که پس از نابودی رژیم شاه باید در ایران حکومت اسلامی برقرار گردد. طرح «ولایت

خاستگاه زمانی طرح نظریه حکومت اسلامی در عصر غیبت □ ۳۳

فقیه» که متولد چنین فضای زمانی بود، با رفع بن‌بست از مبارزات سیاسی ضد رژیم شاه، اکثریت مخالفان (نیروی مذهبی) را به تحرکی دوباره واداشت. این تحرک به سایر نیروهای مخالف نیز سرایت کرد و جامعه یکپارچه علیه رژیم شاه بسیج شد. به این ترتیب باید اظهار داشت که طرح ولایت فقیه توانست به سردرگمی در مبارزات تاریخی ملت ایران علیه حکام فاسد پایان دهد و فصل نوینی در پیشبرد مبارزات سیاسی ایجاد نماید.

گفتار دوم:

بومی گری مکانی

«اکنون که پیشرفت آثار تمدن غرب و همچنین نفوذ تبلیغات کمونیستی، بسیاری از مردم ایران و جوانان ما را به سوی فساد کشانیده، برای جلوگیری از این خطر بزرگ، چاره‌ای جز تقویت امور معنوی در مردم نیست؛ و کسانی که به نام تجدد، روحانیت را ضعیف می‌کنند به توسعه‌ی فساد دامن می‌زنند.»

(صحیفه امام، ۱۳۷۸، ج ۱: ۷۷)

پیش درآمد

در گفتار اول به خاستگاه زمانی تولد طرح حکومت اسلامی در عصر غیبت اشاره شد. زمانی که حضرت امام خمینی (ره) در تبعیدگاه خود در کشور عراق در شهر نجف اشرف اقامت داشتند و ضمن رهبری مبارزات سیاسی ملت ایران علیه رژیم شاه و مداخلات استعماری آمریکا در امور ایران، تدریس خارج فقه را نیز ادامه می‌دادند، حکومت اسلامی را در عصر غیبت، به عنوان حکومتی جایگزین برای رژیم شاه، معرفی و در طول زمان بر آن تأکید کردند. این نظریه در حالی ارائه شد که همه‌ی نیروهای سیاسی مخالف رژیم شاه، هر یک دچار یأس شده و به تدریج گرایش به انزوا می‌یافتند. عده‌ای از سیاسیون غیر مذهبی که علی‌الاصول معتقد بودند که رژیم شاه تا بن دندان، مسلح است و مستظهر به حمایت آشکار و پنهان و مادی و معنوی دولت ابرقدرت آمریکا است و دولت آمریکا اجازه نخواهد داد پایه‌ی